

در ضرورت مبارزه ی متحدانه ی کارگران

رحمت کریمی

سی یک شهریورماه هشتاد و شش

آنچه در جامعه وجود دارد چیزی جز حاصل تلاش کارگر نیست. کارگران با تلاش خود تنها آفرینندگان ابزار رفاه انسان اند. در جامعه ای که هر آنچه تولید میشود حاصل تلاش کارگر است همین کارگران اند که برای گذران زندگی خود سخت ترین شرایط را متحمل میشوند. این آفرینندگان جامعه هستند که باید تحت غیر انسانی ترین شرایط برای امرار معاش خود دست به طاقت فرسا ترین کارها بزنند، از بی مسکنی رنج ببرند و هر لحظه از نداشتن پول اجاره خانه بر خود بلرزند، کودکانشان به جای تحصیل و بازی و شادی در خیابانها برای کمک به امرار معاش خانواده مورد تحقیر و بی حرمتی قرار بگیرند، در کنار راهروهای بیمارستان جان بسپارند زیرا که پولی برای پرداخت هزینه ی درمان ندارند، به دلیل نداشتن وقت و پول برای تفریح و لذت بردن از زندگی چیزی جز سیه روزی از زندگی نبینند. آری آفرینندگان جامعه به دلیل نداشتن پول نباید در جامعه زندگی کنند بلکه تنها باید زنده بمانند تا تولید کنند.

در سمت دیگر جامعه صاحبان پول، صاحبان کارخانه، صاحبان ابزار تولید و در يك کلام سرمایه داران از تمامی نعمت های تولید شده و رفاه موجود در جامعه بی آنکه کار کنند بهره می برند. مالک هر آنچه در جامعه هست می شوند این مالکیت چیزی به ذهن انسان نمی آورد مگر دزدی. آنچه را کارگران تولید می کنند عده ای دیگر به تملک خود در می آورند. هر چه وضعیت زندگی و کار برای کارگران دشوار تر می شود بر مایملک سرمایه داران افزوده می شود. این دو قطب جامعه در رابطه ای عکس با یکدیگر قرار دارند. هرچه کارگر تولید می کند و از دست می دهد، سرمایه دار بدست می آورد.

درشرایطی که سرمایه داری حاکم از هر گونه تلاشی برای تحمیل بردگی هرچه بیشتر بر کارگر دست بردار نیست، آیا کارگران به عنوان میلیون ها انسان دربرابراین اقلیت سرمایه دارراهی برای رهایی ازوضعیت کنونی دارد؟ اگر امروزه کارگران میلیون ها انسان اند که از زندگی جز سیه روزی نصیبشان نشده نه از آنروست که قدرتی برای تغییر شرایط ندارند بلکه از آن روست که از قدرت میلیونیشان که در اتحادشان نهفته است برای پایان دادن به شرایط موجود استفاده نکرده اند.

در ابتدا کارگران به صورت منفرد و یا گه گاه در گروه های کوچک به شرایط اعتراض کرده گاهی این اعتراضات پاسخ مثبت گرفته و گاهی هم به دلیل گسترده نبودن سرکوب گشته و با شکست مواجه شده است و وضعیت از آنچه بوده بدتر گشته است. اما هر گاه اعتراضات گسترده، به هم پیوسته و متشکل بوده راهی جز عقب نشینی برای صاحبان سرمایه باقی نگذاشته است. بهم پیوستگی اعتراضات کارگری نیاز مبرم امروز جنبش کارگری است. در چند سال اخیر که تلاش سرمایه داری حاکم در ایران برای بخشیدن وجه قانونی به بردگی کارگران جامعه است و با

اصلاح قانون کار قصد دارد دست کارفرمایان را برای هرگونه استنثار کارگر بدون توجه به شرایط غیر انسانی حاکم بر زندگی و معیشت کارگر باز بگذارد، کارگران تنها با متشکل شدن و تلاش برای پیوستگی اعتراضات است که قادر به ایستادگی در برابر این نوع بردگی هستند. پتانسیل موجود در جنبش کارگری با توجه به عروج اعتراضات کارگری در سال های اخیر کاملاً قابل لمس است. اعتراضات کارگران در دوره های اخیر نشان دهنده وضع نابسامان زندگی کارگران و همچنین آگاهی کارگران برای پس گرفتن حقوقشان است.

اعتراضات منفرد و غیر متشکل کارگران ممکن است جایی پاسخ مثبت بگیرد و گاهی هم سرکوب شود. کارگر باید با توسل به ابزاری که خود کارگر پدید آورنده آن است اعتراض کند و اعتراض خود را پیش ببرد. ابزاری که سرکوب آن بوسیله ی سرمایه دار ممکن نباشد این ابزار پیروزی اعتراضات کارگران که بدست کارگران آگاه و پیشرو به وجود می آید چیزی نیست جز اتحاد و همبستگی در قالب تشکل های مستقل کارگری. تشکل های کارگری که خود کارگران اعضای تشکیل دهنده آنها با ایجاد پیوستگی در بخش های مختلف طبقه کارگر و اعتراضات همگانی، مبارزات کارگران را جهت می بخشد. کارگر منفرد قادر به رسیدن خواسته هایش در مقابل کارفرما نیست اما کارگران متشکل هر لحظه قادر به عقب نشاندن کارفرمایان خواهند بود. اتحاد آگاهانه کارگران و متشکل شدن آن ها تنها شاه کلید موجود برای پیروزی قدرتمندانه کارگر در مقابل کارفرما و صاحب سرمایه است.

کارگران باید متشکل شوند و هرروز جبهه اتحاد و همبستگی کارگری را سازمان دهند. مهمترین فاکتور تعیین کننده ی مبارزات کارگران اتحاد عمل آگاهانه آن هاست. اتحاد عمل نه از روز ناچاری بلکه از روی آگاهی، با سازمان دادن خود در تشکل و با تکیه بر تنها نقطه ی قوت خود یعنی نیروی متحدانه کارگران در مقابل چپاولگران.

تنها ارتباط ارگانیک و فعال کارگران با تشکلهای مستقل کارگری است که میتواند کارگران را به مطالبات روزمره ی زندگی شان از قبیل افزایش دستمزد، قرارداد موقت، بیمه بیکاری و ... برساند زیرا که این مطالبات از جنگ بین کارگر و سرمایه دار است که بدست می آید. زندگی کارگر جدای از مبارزات و مبارزاتش جدای از زندگی او نیست، تشکل های مستقل کارگری مطالبات گسترده تری برای مبارزات و افق روشن تری برای زندگی را نیز در مقابل چشمان کارگر می گشایند. هر بار کارگران به مبارزه متحد و متشکل روی آورده اند توانسته اند به حقوق خود دست یابند و سرمایه داران را عقب بنشانند. کارگران تنها با تشکل مستقل کارگری می توانند چرخه زندگی و مبارزات خویش را پیش ببرند و به جامعه ای فارغ از گرسنگی، بیکاری، تبعیض و جامعه ای فارغ از نابرابری و در نهایت به جامعه ای انسانی برسند.

کارگران به عنوان میلیون ها انسان در برابر اقلیتی ناچیز تنها با استفاده از سلاح اتحاد و همبستگی در قالب شوراهای، سندیکاها، اتحادیه ها، کمیته های اعتصاب و دیگر تشکل های کارگری است که می توانند به حقوق خود دست یافته و به آن اندازه از رفاه و آسایش بهره مند شوند که خود برای تولید آن تلاش می کنند.

رحمت کریمی

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

شنبه سی و یکم شهریور ۱۳۸۶